Archive of SID

مجله مديريت فرهنگي
سال چهارم/ شماره هشتم/ تابستان ۱۳۸۹

تاريخ دريافت: ۱۳۸۸/۱۱/۱۵
تاريخ پذيرش: ۱۳۸۹/۲/۱۰

بهره‌وري در آيينه فرهنگ اسلامي- ايراني

دكتر علي رشيد پور
عضو هيات علمي‌دانشگاه آزاد اسلامي، واحد علوم تحقيقات اصفهان (مسئول مكاتبات)
فرشاد نادري‌نيا
عضو هيات علمي دانشگاه آزاد اسلامي، واحد تهران شمال

چكيده

«بهره وري» در فرهنگهاي گوناگون معاني مختلفي دارد و هر فرهنگي با توجه به نگاهي كه به انسان و جايگاه او در كائنات داشته است تعريفي متفاوت را از بهره‌وري بيان مي‌نمايد. با مطالعه و تأمل در منابع اصيل فرهنگ اسلامي- ايران همچون قرآن كريم و عترت (ع) و نيز ادب و هنر پارسي مي‌توان بهره‌وري را در آينه فرهنگ خودي دريافت و آن را از ديگر تعاريف تميز داد.

اين پژوهش مي‌كوشد تا ضمن توضيح مطلب فوق الذكر با مراجعه به برخي متون و اشارات مربوط در منابع مذكور، از اين منظر گفتمان بهره‌وري در فرهنگ اسلامي- ايراني را بررسي نمايد.

واژگان كليدي
بهره وري، فرهنگ

www.SID.ir

Archive of SID

مقدمه

بي ترديد تعريف و مفهوم «بهره وري» از مناظر مختلف (فرد ،سازمان ،مدير، جامعه، فرهنگ دين و...) متفاوت خواهد بود. اما به هر روي هنگامي‌كه با رويكرد فرهنگي با چنين واژه‌اي روبرو مي‌شويم نخست بايد ببينيم آن فرهنگ به انسان بعنوان محور استراتژيك توسعه چه نگاهي دارد. در فرهنگ اسلامي- ايراني، انسان اشرف مخلوقات است و ابرو باد و مه و خورشيد و فلك در كارند تا او ناني به كف آرد و به غفلت نخورد.

در اين فرهنگ، اين شاهكار آفرينش مي‌تواند به جايي برسد كه به جز خدا نبيند و نيز مي‌تواند از چهار پايان پست‌تر و فروتر شود، اين قابليت هاي گوناگون در نهاد آدمي‌وجود دارد و به اين معني او مي‌تواند سود ببرد يا زيان كند. به قول سنايي:

آدمي‌زاده طرفه اكسيري است كز فرشته سرشته وز شيطان

گر رود سوي اين شود به از اين ور رود سوي آن شود بد از آن

با مطالعه و ملاحظه‌ي دقيق منابع اصيل فرهنگ اسلامي- ايراني از جمله قرآن كريم و عترت (ع)و نيز با تامل در ادب و هنر پارسي مشاهده مي‌شود كه انسان بايد بتواند به سوال‌هاي اساسي «از كجا آمده‌ام، آمدنم بهر چه بود و به كجا مي‌روم آخر ؟» پاسخي در خور بدهد و آنگاه با هدفگذاري درست، برنامه ريزي شايسته اي را انجام رساند و با اجراي آن برنامه، لحظه لحظه بر كمال خويش بيافزايد و بتواند استعدادهاي شگفت و شگرفي را كه خداوند مهربان در وجود او به وديعه نهاده است، شكوفا سازد و در قوس صعودي حيات از خود به خدا برسد.

بنابراين در چنين فرهنگي هر كه بتواند بهره‌ورتر به سوي اهداف الهي حركت كند بهره‌وري افزونتري خواهد داشت. در اين باور ،انسان مسافري است كه بايد با توشه‌ي آگاهي و بيداري بر راهزنان جهل و غفلت غلبه نمايد و كامي‌ابي و سعادت خويش را در قرب الهي هر چه اثر بخش‌تر و كار آمدتر پيگيري كند رستگار شود و به كمال خويش نايل آيد. بتواند با مديريت خود از سرمايه‌هاي الهي هر چه بيشتر بهرمند شود. تهديد را به فرصت و فرصت‌ها را به ثروت بدل كند و با «درست انجام دادن كارهاي درست» با صرف صحيح منابع و امكانات محدود، به بي نهايت نيل نمايد و از آنچه هست به آنچه بايد باشد، بدل گردد.

حق همي‌گويد چه آوردي مرا اندر اين مهلت كه دادم مر تو را

نعمتت دادم بگو شكرت چه بوددادمت سرمايه هين بنماي سود

(مولوي)

بهره‌وري چيست ؟

بهره‌وري را مي‌توان يك ديدگاه فكري دانست كه همواره سعي در بهبود مستمر وضع موجود دارد به عبارت ديگر مي‌توان بهره‌وري را مرتبط با توسعه دانست همانطوري كه توسعه فرايندي تدريجي، رو به جلو و در صدد بهبود وضع موجود است (نوبخت۱۳۸۷، ۱۹)

الف) تعريف لغوي

واژه‌ي پروداكتيويتي [1]واژه اي است انگليسي و در لغت به معني «قدرت توليد ،باروري و مولد بودن» است.

بهره‌وري در ادبيات فارسي با استناد به فرهنگ فارسي معين، به بهره وري، با فايده بودن، سود برندگي و كامي‌ابي معنا شده است.

ب) تعاريف تشريحي

دراين باره تعريف كاربردي پذيرفته شده اي كه مورد توافق همگان باشد وجود ندارد در اينجا برخي از تعاريف اشاره مي‌شود:

www.SID.ir

Archive of SID

استانير [۲]: معيار عملكرد و يا قدرت و توان موجود در توليد كالا و خدمات.

استيگل[۳]: نسبت ميان بازداده مرتبط به عمليات توليدي مشخص و معين در مقايسه با نهادهاي مصرف شده.

ديويس[٤]: تغيير به دست آمده در شكل محصول در ازاي منابع مصرف شده.

فابريكانت[5]: يك نسبت بين خروجي به ورودي (خاكي ۱۳۸۶، ۲۳)

اما اگر بهره‌وري را تنها نسبت خروجي به ورودي بدانيم و از جنبه هاي فرهنگي و ارزشي آن بازنمانيم، پاره اي از نكات مهم در پرده‌ي ابهام خواهد ماند. (خاكي ۱۳۸۶، ۶۱)

بنابراين ملاحظه مي‌شود كه از بهره‌وري تعاريف مختلفي ارائه شده است. با تامل در تعاريف گوناگون آن كه بيشتر بر بازدهي، راندمان، قدرت توليد، بهره‌بردن، سودمندي و قابليت كامياني تاكيد دارند و به عبارتي تركيبي از اثر بخشي (ميزان حصول به هدف) و كارآيي (نسبت ستاده به داده) را مطرح مي‌سازند؛ شايد بتوان تعريف زير را در اين باره برگزيد كه: بهره‌وري يعني درست انجام دادن كارهاي درست يا كار درست را درست انجام دادن.

فرهنگ چيست و چه اهميتي دارد ؟

تعاريف بسياري از مناظر مختلف در اين باره وجود دارد كه به برخي اشاره مي‌شود:

در تعريفي، فرهنگ محضر هويت ساز جوامع و مظهر حيات عقلايي آنهاست و كليتي است كه از تركيب خصوصيات و نمادها به وجود آمده و در هر جامعه پديد مي‌آيد. هسته مركزي اين كليت و اين حيات عقلايي، نگر ش خاص موجود در هر جامعه درباره‌ي انسان و حقوق بنيادين اوست. (سليمي ۱۳۷۹، ۵۳)

در تعريفي ديگر فرهنگ را مجموعه‌ي معارف، معتقدات، هنرها، صنايع تكنيكها، اخلاق، قوانين، سنن و بالاخره تمام عادات و رفتار و ضوابطي دانسته اند كه انسان به عنوان عضو يك جامعه فرا مي‌گيرد و در قبال آن تعهداتي دارد (هوشمند ۱۳۷۹، ۶۴)

بروس كوئن در كتاب مباني جامعه شناسي، فرهنگ را چنين تعريف مي‌كند:

«فرهنگ مجموعه‌ي همه‌ي عناصر رفتاري و خصلتهاي آموخته اعضاي يك جامعه يا مجموع ويژگيهاي

رفتاري عقيدتي اكتسابي اعضاي يك جامعه خاص است» (كوئن۱۳۷۲، ۱۳)

از نظر ادگار شاين «فرهنگ مجموعه‌اي است از اصول اساسي و راه حلهاي مشترك براي مشكلات جهاني تطابق بيروني (چگونه زنده بمانيم) و انسجام دروني (چگونه كنار هم بمانيم) اين مفروضات و اصول اساسي در طول زمان تكامل مي‌يابند و از نسلي به نسل ديگر منتقل شوند» (سوزان سي ۱۳۷۹، ۳۱)

علامه محمد تقي جعفري، فرهنگ را به دو دسته تقسيم مي‌كند:

فرهنگ پيشرو: «كيفيت يا شيوه بايسته و شايسته براي آن دسته از فعاليتهاي حيات‌هاي مادي و معنوي انسان‌ها، كه مستند به طرز تعقل سليم و احساسات تصعيد شده‌ي آنها در حيات معقول تكاملي باشد.» (جعفري۱۳۷۴، ۱)

فرهنگ پيرو: «كيفيت و شيوه‌ي زندگي مادي و غير مادي كه هيچ اصل و قانون اثبات شده‌اي را مورد تبعيت قرار نداده بلكه صحت و مقبوليت خود را از تمايل و خواسته‌هاي مردم مي‌گيرد» (جعفري۱۳۷۴، ۷۷)

وسعت قلمرو فرهنگ به وسعت حيات اجتماعي انسان بود و شامل تمامي‌ذخاير و مي‌راث هاي انديشه (عقل نظري) و ساخته هاي فكري و دستي (عقل

www.SID.ir

Archive of SID

عملي) انسان از آغاز تا امروز است (روح الاميني ۱۳۷۷، ۷)

به بيان بنيانگذار جمهوري اسلاميايران، بي شك بالاترين و والاترين عنصري كه در موجوديت هر جامعه دخالت اساسي دارد، فرهنگ آن جامعه است. فرهنگ هر جامعه ،هويت و موجوديت آن جامعه را تشكيل مي‌دهد. (بابايي ۱۳۸۴، ۲۸)

فرهنگ اسلامي- ايراني

اگر تعريفي از فرهنگ را شيوه‌ي زندگي بر خواسته از انديشه (عقل نظري) و نظام ارزشي (عقل عملي) بدانيم، آنگاه فرهنگ اسلامي را مي‌توان اينگونه تعريف كرد: «شيوه زندگي بر خاسته از انديشه‌ي توحيدي و نظام ارزشي اسلام. فرد متعلق به فرهنگ اسلامي كسي خواهد بود كه برخوردار از يك انديشه‌ي توحيدي مي‌باشد و بايد و نبايدهاي زندگي‌اش را در شئون فردي و اجتماعي مستند به قرآن و سنت پيامبر اسلام (ص) و ائمه معصوم و الگوي زندگي‌اش سيره‌ي نبوي (ص) و علوي (ع)و روش زيستن عترت (ع)باشد. (بابايي۱۳۸۴، ۲۵)

از سويي فرهنگ اسلامي در تعامل با فرهنگ كهن ايران، زايش‌هايي شگفت انگيز، فراورده‌هايي ارزشمند و آفرينش‌هايي خلاق و زيبا را بوجود آورده است.

«عكس العمل ايرانيان در برابر اسلام فوق العاده نجيبانه و سپاسگزارانه بوده و از يك نوع توافق طبيعي بين روح اسلامي و كالبد ايراني حكايت مي‌كند»

«به همان نسبت كه اسلام يك دين همه جانبه است و بر جنبه‌هاي مختلف حيات بشري سيطره دارد، خدمات ايرانيان به اسلام نيز وسيع و گسترده و همه جانبه است... تمدن كهن ايران به تمدن جوان و با عظمت اسلامي، كمك و خدمات فراواني نموده است» (مطهري۱۳۸۲، ۳۷۴ و۶۷۰)

به هر روي فرهنگ خودي با دو ركن اسلامي- ايراني از دير باز در بين ديگر فرهنگ‌ها جلوه‌اي خاص و شكوهمند داشته است. تعامل اسلام و ايران، موجب خلق زيبايي‌هاي ارزشمندي شده و براي ما ايرانيان افتخار آفرين است.

شاخص‌هاي اين فرهنگ را مي‌توان در منابع اصيل آن جستجو كرد. قرآن كريم و عترت دو يادگار ماندگار اسلام و نيز ادب و هنر ايراني- اسلامي كه محل جلوه‌گري اين تعامل زيبنده‌اند و ادبيات پارسي و عرفاني ما كه درخششهاي بي‌بديلي از تلاقي اين دو فرهنگ را خلاقانه منعكس مي‌نمايد؛ مراجع مناسبي براي درك درست ويژگي‌هاي فرهنگ خودي هستند.

بهره‌وري از نظر فرهنگ اسلامي- ايراني

با بررسي مفهوم بهره‌وري در منابع و متون فرهنگ خودي، مي‌توانيم اين مقوله را در آيينه فرهنگ اسلامي- ايراني به تماشا بنشينيم و ضمن فهم، تشخيص و تفكيك آن با معناي بهره‌وري در ديگر فرهنگ‌ها، بر تصحيح اين مفهوم در نظر و رعايت موارد مربوط در عمل، تأكيد نماييم.

از اين رو بايد نگاه اين فرهنگ به انسان مورد واكاوي قرار گيرد و ويژگي‌هاي انسان آرماني و اهداف اساسي زندگي بررسي شود تا با توجه به آن، چگونه بهتر رفتن و بهره‌ورتر شدن را دريابيم.

انسان در اين فرهنگ بر خلاف فرهنگ‌هاي غربي و فرهنگ‌هاي سود محور (اوتيليتاريانيسم)[۶] و مادي گرا، جايگاهي بس رفيع و ويژه دارد و به عنوان اشرف مخلوقات و شاهكار آفرينش، جانشين و امين خدا بر روي زمين است. (سوره بقره، آيه۳۰ و سوره احزاب، آيه ۷۲) همه از بهر او سر گشته و فرمانبر دارند تا او فرمان الهي را تمكين كند و از خود به خدا برسد.

بنابراين هرچه انسان بهتر و بيشتر به خدا نزديك شود بهره ورتراست. در اين باره، به چند نكته محوري همراه به شواهدي از منابع فرهنگ خودي، اشاره مي‌شود:

www.SID.ir

Archive of SID

۱) فرهنگ اسلامي- ايراني خدا محور است. هرچه كاري رضايت خدا را بيشتر فراهم كند بهره‌ورتر است و بهره‌وري كسي افزونتر است كه با عبوديت شايسته و بايسته، رضاي خدا را بيشتر جلب نمايد.

«همانا، جن و انس را نيافريدم مگر براي اينكه مرا پرستش كنند» (سوره زاريات، آيه ۵۶)

گفتم اين شرط آدميت نيست
مرغ تسبيح گوي و من خاموش
(سعدي)

جهان فاني و باقي، فداي شاهد و ساقي
كه سلطاني عالم را طفيل عشق مي‌بينم
(حافظ)

به هرزه بي‌مي و معشوق عمر مي‌گذرد
بطالتم بس، از امروز كار خواهم كرد
(حافظ)

هرچه جز عشق خداي احسن است
گر شكر خواري است آن جان كندن است
(مولوي)

جمله اندر حكم و در فرمان او
همچو گويي در خم چوگان او
(مولوي)

عاشق شو ارنه روزي كار جهان سرآيد
نابرده گنج مقصود از كارگاه هستي
(حافظ)

كه يكي هست و هيچ نيست جز او وحده لا الله الاهو
(هاتف)

۲) همه نعمت‌ها و امكانات از سوي خدا براي استفاده انسان آفريده شده است و در اختيار اوست و بايد از اين نعمات به درستي بهره‌مند شود و كسي بهره‌ورتر است كه بتواند با استفاده شايسته و بايسته از اين منابع در راه رضايت صاحب نعمت و خالق رازق گامهاي استوارتري بردارد.

«همانا او (خدايي) است كه آنچه در زمين است براي شما آفريده است» (سوره بقره، آيه:۲)

ابر و باد و مه و خورشيد و فلك در كارند
تا تو ناني به كف آري و به غفلت نخوري
همه از بهره تو سرگشته و فرمان بردار
شرط انصاف نباشد كه تو فرمان نبري
(سعدي)

بر در شاهم گدايي نكته اي در كاركردگفت
بر هر خوان كه بنشستم خدا رزاق بود
(حافظ)

شكر جان نعمت و نعمت چو پوست
زان كه شكر آرد تو را تا كوي دوست
وقت نعمت شكر حق را دارياد
تا خدا بر تو كند نعمت زياد
(مولوي)

۳) انسان داراي ظرفيتي عالي است. از روح خدا در او دميده شده است و مي‌تواند به عالي‌ترين مقام در كائنات (هستي) دست يابد و كسي بهره‌ورتر است كه بتواند هرچه بيشتربه كمال خود در اين راستا نايل شود و خود را شكوفاتر سازد.

«همانا ما بني آدم را كرامت بخشيديم و آنان را بر صحرا و دريا مسلط كرديم و بر بسياري از مخلوقات خويش برتري داريم» (سوره اسراء، آيه۷۰)

www.SID.ir

Archive of SID

پس بصورت عالم اصغر تويي
پس به معني عالم اكبر تويي
(مولوي)

اي همه دريا چه خواهي كردنم
اي همه هستي چه مي‌جويي عدم
تاج كرمناست بر فرق سرت
طوق اعطيناك آويز برت
جوهر است انسان و چرخ او را عرض
جمله فرع و سايه اند و تو غرض
اي غلامت عقل و تدبيرات و هوش
چون چنيني خويش را ارزان فروش؟
(مولوي)

رسد آدمي‌به جايي كه به جز خدا نبنيد
بنگر كه تا چه حد است مكان آدميت
(سعدي)

۴) هر عملي در عالم به خود انسان بر مي‌گردد. لذا اگر كسي درست انجام دهد و درست آن كار را انجام دهد (يعني در راستاي رضاي الهي باشد و آنگونه كه او مي‌پسندد باشد) بهره‌ورتر است و از بازتاب آنچه به او بر مي‌گردد بهره‌وري‌اش افزونتر مي‌شود.

«اگر كارتان نيك است نيكي درحق خود كرده‌ايد و اگر زشت است، بازهم در حق خود ظلم كرده‌ايد. (سوره اسرا، آيه ۷)

اين جهان كوه است و فعل ماندا
باز مي‌آيد نداها را صدا
(مولوي)

بي ادب تنها نه خود را داشت بد
بلكه آتش در همه آفاق زد
(مولوي)

تو نيكي مي‌كني و در دجله انداز
كه ايزد در بيابانت دهد باز
هرچه كني به خود كني
گر همه نيك و بد كني
چونكه بد كردي بترس ايمن مباش
چون كه تخم است و برويانند خداش
(مولوي)

۵) امور عالم ظاهري دارد و باطني در فرهنگ اسلامي- ايراني باطن بر ظاهر و سيرت بر صورت و معنا بر شكل، اولويت و اهميت دارد. بهره‌وري آنگاه افزونتر است كه بر ظاهر و صورت توقف نشود پس از عبور از آن به اصل و جوهر و باطن انديشه شود، لذا افراد ژرف نگر بهره‌ور ترند.

«بدترين موجودات نزد خدا كساني هستند كه از شنيدن و گفتن حرف حق كرو لالند و تعقل نمي‌كنند» (سوره انفال، آيه۲۲)

«... و (خدا) نعمت هاي ظاهري و باطني را براي شما فراوان فرمود: اما برخي مردم بي خبر از كتاب روشن حق از روي جهل و گمراهي در دين خدا مجادله مي‌كنند» (سوره لقمان، آيه۲۰)

اي برادر تو همه انديشه‌اي
ما بقي خود استخوان و ريشه‌اي
گرگل است انديشه تو گلشني
ور بود خاري تو هيمه‌ي گلخني
(مولوي)

زاهد ظاهر پرست از حال ما آگاه نيست
درحق ما هر چه گويد جاي هيچ اكراه نيست
(حافظ)

www.SID.ir

Archive of SID

ما برون را ننگريم و قال را
ما درون را بنگريم و حال را

(مولوي)

باغبان گويد اگر مسعودئي
كاشكي كژ بودي و تر بوده اي

(مولوي)

۶) آخرت گرايي در فرهنگ اسلامي- ايراني بسيار حائز اهميت است. توجه به افق ديد بلند مدت و پرهيز از كوتاه‌نگري مورد تاكيد است و هر چه عاقبت انديشي و آخر نگري بيشتر باشد بهره‌وري افزونتر است.

«در آنچه خدا به شما داده است، آخرت را با مي‌ل و رغبت بجوي و بهره ات را از دنيا فراموش نكن» (سوره قصص، آيه ۷۷)

«داناترين مردم كسي است كه در عواقب امور بيشتر دقت كند» ميزان الحكمه ـ حضرت علي (ع)

آخر هر گريه آخر خنده‌اي است
مرد آخر بين مبارك بنده‌اي است

(مولوي)

مزرع سبز فلك ديدم و داس مه نو
يادم از كشته خويش آمد و هنگام درو

(حافظ)

خدايا چنان كن سر انجام كار
تو خشنودگردي و مارستگار
مكن بد كه بيني به فرجام بد
كه بر بدكنش بي گمان بد رسد

(فردوسي)

۷) غنيمت دانستن فرصت‌ها و توجه به اين نكته كه جهان در حال گذر است و نعمات و امكانات و فرصتها نيز در گذر و عبورند و مديريت زمان لازم است. لذا هرچه از آنچه كه هست براي آنچه كه بايد باشد بهرمندتر باشيم، بهره‌وري بيشتري خواهيم داشت.

«بي‌گمان فرصت‌ها همانند ابرها زوردگذرند، پس هرگاه فرصتي در انجام كارهاي خير به دست آوريد، آن را غنيمت شمريد و از آن خوب بهره برداري كنيد». نهج البلاغه ـ امام علي (ع)

برخيز كه خود را به چراغي برسانيم
تا فرصت زدن به هم زدن بال و پري هست
زمان خوشدلي درياب و درياب
كه دايم درصدف گوهر نباشد

(حافظ)

صوفي ابن الوقت باشد اي رفيق
نيست فردا گفتن از شرط طريق

(مولوي)

بشتاب اگر كه عاقلي درياب اگر صاحبدلي
شايد كه نتوان يافتن ديگر چنين ايام را

(سعدي)

گوهر وقت به اين خيرگي از دست مده
آخر اين درگرانمايه بهايي دارد

(پروين اعتصامي)

۸) اعتدال و ميانه روي از تاكيدات اين فرهنگ است و از اين روست كه با پرهيز از افراط و تفريط و پيمودن راه اعتدال مي‌توان بهره‌وري بيشتري حاصل كرد.

«نه دست خويش را از روي خست به گردن بند و نه به سخاوت يكباره بگشاي كه در هر دو حالت

www.SID.ir

Archive of SID

ملامت زده و حسرت خورده نشيني» (سوره‌ي بني اسرائيل، آيه ۲۹)

«كارهاي افراد نادان را نمي‌بيني مگر اينكه يا طريق افراط دارد يا تفريط» ميزان الحكمه ـ حضرت علي (ع)

«پروردگار را مرا از روش مي‌انه روي برخوردار فرما» صحيفه‌ي سجاديه/ حضرت سجاد (ع)

درشتي و نرمي به هم دربه است
چو فاصد كه جراح و مرهم نه است

(سعدي)

رهرو آن نيست كه گه تند وگهي خسته رود
رهرو آن است كه آهسته پيوسته رود
نه چندان بخور كز دهانت بر آيد
نه چندان كه از ضعف جانت بر آيد

(سعدي)

حافظ نه حد ماست چنين لافها زدن
پاي از گليم خويش چرا بيشتر كشيم

(حافظ)

جز به اندازه ضرورت بر مگير
تا نگردد غالب و بر تو امير

(مولوي)

نتيجه گيري

با مطالعه و بررسي متون و منابع اصل فرهنگ اسلامي‌ـ ايراني از جمله قرآن كريم، عترت (ع)و ادبيات پارسي ـ عرفاني؛ اصول مهمي‌درباره‌ي انسان، جايگاه و نقش او، هدف او و برنامه او و چگونه رسيدن او به هدف، مشخص مي‌شود.

درك چنين اصول در نظر و به كارگيري آنها در عمل جلوه‌اي از بهره‌وري را براي ما آشكار مي‌سازد كه تفاوت‌هاي بسياري با معنا و مفهوم بهره‌وري در فرهنگهاي ديگر به ويژه فرهنگ‌هاي مادي گرا و سود انگار غربي دارد. انسان در فرهنگ اسلامي‌ـ ايراني بعنوان نماينده و جانشين و امين خداست و آفرينش براي او و در خدمت اوست تا بتواند استعدادهاي دروني خود را شكوفا سازد و به كمال خويش يعني مقام قرب الهي نايل شود. آنچه در اين فرهنگ اصل اساسي و محوري است خالق يكتا و پرودگار بي‌همتايي است كه همگان موجوديت خويش را از او دارند و از نعمت‌هاي بي دريغش برخوردارند و بايد پاس نعمت بدارند و با پرهيز از افراط و تفريط و استفاده درست و به جا و به موقع و به اندازه از نعم الهي شكرگزار آن باشند.

جوهر و اصل و باطن را بر عرض و فرع و ظاهر، ارجح بدانند و هم و غم خويش را صرف پرورش درون و رسيدگي به اصول و معاني اصيل سازند و با نگاهي عاقبت نگر و ژرف انديش، با اين باور كه هر چه مي‌انديشند و انجام مي‌دهند در همه‌ي عالم اثر گذار است و نتيجه آن به خود ايشان نيز بر مي‌گردد، بكوشند تا با استفاده از آگاهي و بيداري براي غلبه بر جهل و غفلت، در مسيري متعالي با بهتر زيستن بر بهره‌وري جان و جهان خويش بيافزايند.

www.SID.ir

Archive of SID

منابع و ماخذ

۱) بابايي طلاتپه، محمد باقر. (۱۳۸۴). مباني استراتژي فرهنگي از ديدگاه علي (ع). تهران: سپاه.

۲) جعفري، محمد تقي. (۱۳۷۴). فرهنگ پيرو پيشرو. تهران: نشر علمي‌فرهنگي.

۳) خاكي،غلامرضا. (۱۳۸۶). مديريت بهره وري. تهران: كوهسار.

۴) سليمي، حسين. (۱۳۷۹). فرهنگ گرايي. تهران: وزرات امور خارجه.

۵) سوزان س، شنايدر وژان و لوئي بارسو. (۱۳۷۹). مديريت در پهنه فرهنگ. ترجمه اعرابي و ايزدي. تهران: دفتر پژوهشهاي فرهنگي.

۶) كوئن، بروس. (۱۳۷۲). مباني جامعه شناسي. ترجم توسلي و فاضلي. تهران: سمت.

۷) مطهري، مرتضي. (۱۳۶۲). خدمات متقابل اسلام و ايران. تهران: صدرا.

۸) نوبخت، محمد باقر و بختياري، حميد. (۱۳۷۸). روش هاي ارتقا بهره‌وري منابع انساني در چشم انداز بيست ساله. تهران: معاونت پژوهشي دانشگاه آزاد اسلامي.

يادداشتها

[1] Productivity
[2] P.o.stenier
[3] stigel
[4] Davis
[5] fabricant
[6] Utilitarianism (اصالت سود)

www.SID.ir